

beginning and a good result in view...»

در این ترجمه چندین اشکال هست: (۱) کار و دادستان در پهلوی یک ترکیب مزجی (hendiadys) است به معنی «امور» نه دو کلمه به معنی «اعمال» و «قضاوتها» ست و - ان در آخر «کاران» را باید احتمالاً سهواً القلم کاتب به شمار آورد. (۲) ezisn ... kunisn در این جا اسم مصدر لزومی ست و باید آن را «لازم است به اجرا در آورد» ترجمه کرد. (۳) حرف اضافه موخر است به معنی «برای: به این منظور که». جمله را باید چنین ترجمه کرد: «در باره این که برای خوب آغاز کردن (تحت اللفظی «بی افکندن») و خوب به انجام رسانیدن امور، باید آیین دینی (ezisn: یزش) را اجرا کرد...».

تعلیقات عالمانه کتاب پُر است از مطالب جالب توجه و دوواژه نامه پایان آن (اوستایی و پهلوی) همگان را به کار آید. مؤلفان با انتشار این متن دشوار گام بزرگی را در پیشبرد مطالعات ایرانی باستان برداشته اند. علاقه مندان در انتظار جلدهای بعدی کتاب اند.

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران

John Perry

ج . ۰ بری

Les Iraniens d'Istanbul
sous la direction de
Th. Zarcone et F. Zarinr-baf shahr
Institut Francais de Recherches en Iran,
Institut Fancais d'Études Anatoliennes
Paris-Téhéran-Istanbul, 1993, pp.xii + 280

ایرانیان استانبول
زیر نظر ثیری زرکن و فریبا زرین باف شهر
انجمن ایران شناسی فرانسه، انجمن
فرانسوی
مطالعات آسیای صغیر،
پاریس - تهران - استانبول ۱۳۷۲ / ۱۹۹۳

ایرانیان - از بازرگانان ارمنی و ترک آذربایجانی گرفته تا آزادیخواهان گریخته تبریز و تهران - از اوایل صفویه تا سده بیستم میلادی در پایتخت عثمانی می زیسته اند، کار تجارتنی و مذهبی آنها و تماس با روشنفکران عثمانی به مرور در قرن نوزدهم افزایش یافته است و کوشش سیاسیشان در دوره مشروطیت و انقراض قاجاریه به اوج رسیده.

برای هر نوعی از بررسی در تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در سده گذشته باید حتماً فعالیتها و نفوذ ایشان را در نظر گرفت.

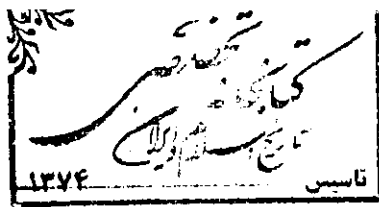
کتاب مورد نقد و بررسی عبارت است از ۲۲ مقاله (بیشتر آنها به زبان فرانسه و ۷ تا به زبان انگلیسی) نوشته متخصصان مطالعات ایران و عثمانیه از دانشگاههای گوناگون خاور میانه و اروپا و امریکا که انگیزه آن میزگردی بوده است که در سال ۱۹۹۱ م. در استانبول رخ داد. هشت مقاله فصل اول با نقاط مشترک و خصوصیات روشنفکران ایرانی و ترک کار دارد. جمشید بهنام تاکید می نماید که استانبول نسبت به دیگر مراکز بیداری و افکار اسلامی و تجدیدی آن زمان (از قبیل قاهره و تفلیس و بمبئی و کلکته و پاریس) چندین مزیت داشته است: در مرکز جغرافیای کشورهای مربوط و خود در یک سرزمین اسلامی واقع شده بود و نیز با اروپا تماس مستقیمی داشت. بنا بر این به خاطر فعالیتها و نشریات میرزا ملکم خان و جمال الدین «الافغانی» و آقا خان کرمانی و طالبوف و آخوند زاده پایگاهی مساعد و حاصلخیز بود. از مقاله یوهان استراوس (Johan Strauss) روشن می گردد که از تعداد نوزده کشوری که در سال ۱۲۶۳ ق / ۱۸۴۷-۴۸ م. با دولت عثمانی روابط دیپلماتی داشتند تنها کشور اسلامی ایران بود؛ مکاتبه رسمی بین آن دو مملکت بیشتر به زبان ترکی (احیاناً به زبان فرانسه) اجرا می شد، و در سال ۱۸۷۷ م. سیصد نماینده ایرانی بیشتر (از سرقونسول تا به شاهبندر گرفته) در سرزمین عثمانی گماشته شده بودند. حمید الگار شرکت نمایندگان سیاسی ایران در لژهای فراماسونری استانبول را به تفصیل می نگارد، و هما ناطق فعالیتهای میرزا آقا خان و سید جمال الدین و ملکم خان را زیر ذره بین می گذارد. در مقاله فاروق بلیجی (Bilici) تصویر ایران در دو روزنامه عثمانی بیان الحق و طنین از سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۲ معاینه می گردد، و در مقاله فرانسوا ژورژن (Francois Georgeon) ایران همان دوره از دیدگاه یک روشنفکر ترک آذربایجانی (احمد آغا اوغلی) در اوایل قرن بیستم نمایان می شود: این شرق شناس و آزادیخواه همچون یک «موتسکیو ترک» اجتماع کمالیستی خود را از همسایه «نمونه استبداد» آگاه می سازد. حجت الله جودکی «انجمن سعادت» را که پر فعالیت ترین انجمنهای آزادیخواهان ایرانی در خارج بوده است با کمک اسناد معاصر شرح می نماید. اعضای «انجمن نسوان ایرانی مقیمین اسلام بول» طبق گزارش بیانکا مربا اسکارجیا آمورتی (Biancamaria Scarcia-Amorette) که مبنی بر اسناد آرشیوهای فرانسه و ایتالیا است توسط تلگراف به نشانی ملکه ایتالیا از مداخله قوای اروپای غربی ضد «استبداد صغیر» تقاضا کرده اند.

در فصل دوم مجموعه «تشیع در دنیای تسنن» دو مقاله ثییری زرکن (Thierry Zarcone) راجع به وضعیت مذهب شیعه در استانبول در اواخر قرن بیستم، و اریکا گلاسن (Erika Glassen) درباره مراسم عزاداری ماه محرم همین دوره در استانبول برای مورخ اجتماعی و مردم شناسی علاقه مخصوصی دارند. یک مقاله دیگر ترجمه انگلیسی از روسی استاد گوردلیوسکی (Gordlevski) — که آن را به علتی نامعلوم جزو فصل «مقاله های متفرقه» شمردند — مراسم عزاداری را که در سال ۱۹۲۶ در محوطه «والده خانی» (کاروانسرای بازرگانان ایرانی) رخ داده است به طور مشاهده عینی تعریف می کند (مقاله اصلی در رونویسی فارسی «کتاب» خوانده می شود و عنوان و مأخذ آن تحریف شده است).

فصل «ادبیات فارسی در استانبول» دو مقاله دارد. نوشته اورهان کولوگلو (قول اوغلی: Kologlu) و آنبا پیستور — حاتم (Anja Pistor Hatam) که هر یکی دارای موضوع روزنامه اختر می باشد. مقاله مفصل جان گرنی (John Gurney) در باره ادوارد براون (E.G. Browne) و دوستی او با حسین دانش، و نیز قطع انتقادی جیان روبرتو اسکارچیا (Gianroberto Scarcia) در خصوص ترجمه فارسی حاجی با بای جیمز موریه، این مطالب معروف را با مأخذ و افکار تازه زنده می سازند. (ضمناً در مقاله استاد اسکارچیا به جای واژه های «غربزده» و «غربزدگی» معادل لاتینی «غربزاده» و «غربزادگی» بارها نوشته شده است.) کریستوف بلائی (Christophe Balay) ضمن گزارشی از ادبیات فارسی در میان ایرانیان دور از وطن اثرهای میرزا حبیب اصفهانی و میرزا آقا خان کرمانی و زین العابدین مراغه ای را مورد بررسی قرار می دهد. از مقاله آنبا لوزینک (Anja Luesink) راجع به وضعیت ایرانیان مقیم قاهره پیدا می شود که یک روزنامه به زبان فارسی تا سال ۱۹۶۶ [؟] در پایتخت مصر انتشار یافته است.

فصل «مناسبات اقتصادی - از تجارت تا سیاست» حاوی مقاله فریبا زرین باف شهر در خصوص جامعه تجار ایرانی امپراطوری عثمانی در انقلاب مشروطیت، و مقاله تسوتومو ساکاموتو (Tsutomu Sakamoto) راجع به تجارت فرش ایران در استانبول از دهه ۱۸۷۰ به بعد است.

فصل مقاله های متفرقه (که بیشتر آنها بایستی در فصلهای «تشیع» و «ادبیات» می گنجید) مطالب ذیل را در بر می گیرد: علی اکبر دهخدا در استانبول و روزنامه سروش (ثییری زرکن)؛ اسناد مربوط به جامعه ایرانی ضبط در آرشیو بانک شاهی عثمانی (ادهم الدم Edhem Eldem)؛ و «ماجرای محله تختکله» (کذا در رونویسی فارسی: لاتینی آن Tahtakale و شاید اصلش «تخت قلعه» یا «تخته قلعه» باشد) به قلم سنان کونرالب



(Sinan Kunalalp). در این مقاله گزارش یک حمله پلیس عثمانی در سال ۱۸۷۳ بر «طنبوره جی خانی» - که گمان می بردند ایرانیان آنجا سرگرم قاچاق باشند - روابط قانونی ایرانیان استانبول با مقامات عثمانی را تصویر می نماید.

از لحاظ اهتمام محرران کار استادانه ای انجام داده اند: مقدمه سنجیده و فهرست اعلام شامل کتاب را از پیش و پس روی هم می بندد. غلط چاپی و لغزش دیگر به ندرت به چشم می خورند. تنها رونویسی اعلام به حروف عربی - فارسی (چنان که قبلاً به آن اشاره شده است) چندان دقیق نیست. مترجم مقاله روسی، خانم ماسولویچ - مارسول (Liliana Masulovic-Marsol) در یکی از یادداشتهای خود (ص ۲۳۷) اصطلاح روسی "Shahsa-Vahsa" را (کذا در متن انگلیسی، و طبق شرح گوردلیوسکی به معنی نوحه خوانی روز تاسوعا) "Shahsevey" تعبیر کرده: شاید منظور این کلمه «شاه سون» (-Seven Shah) بوده باشد. اما به هر صورت این عبارت روسی (که درست تر Shakhsha-Vakhsha باید نوشت، و نیز به صورت Shakhshi-Vakhsi در نوشته های ماکسیم گورکی پیش می آید، در واقع کنایه ای است از نوحه فارسی «یا حسن واحسین» و یا مانند آن و معادل تحریف فاحش همین شعار به قلم انگلیسی زبانان "Hobson-Jobson" می باشد. هر خواننده این مجموعه مطابق علاقه خودش به معلومات تازه و جالبی بر خواهد خورد، در ارزش و اهمیت آن برای تحقیقات تاریخی اجتماعی و ذهنی ایران شکی نیست. دانشگاه شیکاگو